

تبیین دیدگاه نخبگان اجرایی و علمی در خصوص

ماهیت امنیت عمومی

امیر حسین یآوری بافقی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۲

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۵/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: حفظ، تأمین و توسعه امنیت در جامعه، مهم‌ترین عامل در شکل‌دهی، توسعه و پایداری تمدن اسلامی- ایرانی است. مقاله حاضر سعی دارد تا ضمن تبیین دیدگاه نخبگان اجرایی و علمی در خصوص ماهیت امنیت عمومی در کشور، وجوه مشترک و متفاوت دیدگاه آنها را بازنمایی کند. **روش:** مطالعه حاضر به‌لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی- پیمایشی است. داده‌ها با استفاده از ابزار و فنون «تل‌استار»، «فیش‌باول»، پرسش‌نامه و مبتنی بر نظرات ۴۰ مدیر و خبره امنیتی کشور و ۳۲ متخصص روش‌شناسی، گردآوری شد.

یافته‌ها: بیشترین و کمترین تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی، مربوط به دیدگاه چندوجهی و خاص‌گرا است؛ میزان تلقی نرم‌افزاری به ماهیت امنیت عمومی در مقایسه با نگاه سخت‌افزاری ۶۷٪ به ۳۳٪ است؛ در بین پنج طیف و دیدگاه نسبت به ماهیت امنیت عمومی، دیدگاه عام‌گرا و نرم‌افزاری، به‌طور مشترک در رتبه اول، امنیت‌فرایندی درون‌زاد رتبه دوم، دیدگاه سلبی در رتبه سوم و دیدگاه ذهنی رتبه چهارم را دارد. نکته قابل توجه این است که بیش از ۸۱٪ پاسخ‌دهندگان فقط یک دیدگاه را کافی ندانسته و قائل به بیش از یک دیدگاه بوده و تمایل به رویکردی چندوجهی دارند.

نتیجه‌گیری: با توجه به گستره، اهمیت و تنوع شرکت‌کنندگان، یافته‌های این مطالعه می‌تواند زمینه مناسبی برای بازاندیشی و اعتلای دانش امنیت عمومی در کشورمان را فراهم کند. به‌گونه‌ای که ضمن کمک به درک و تحلیل دیدگاه‌های نخبگان اجرایی و علمی امنیت عمومی، بستر لازم برای وحدت رویه و ارتقاء سطح و عمق تصمیم و اقدام در حوزه امنیت عمومی را آماده کند.

کلیدواژه‌ها: امنیت عمومی؛ امنیت ملی؛ ماهیت و چیستی امنیت؛ دیدگاه نخبگان امنیتی؛

□ استناد: یآوری بافقی، امیرحسین (زمستان، ۱۳۹۵). تبیین دیدگاه نخبگان اجرایی و علمی در خصوص ماهیت امنیت عمومی. فصلنامه مطالعات

مدیریت انتظامی، ۱۱(۴)، ۵۹۶-۶۲۰.

مقدمه

امنیت عمومی^۱ از پیچیده‌ترین مباحث و پرمخاطره‌ترین سازه‌ها در حوزه علوم انسانی به‌شمار می‌رود (سوارز،^۲ ۲۰۰۷؛ بی‌کوچی، رُز و اولیورا،^۳ ۲۰۱۰). بنابراین دستیابی به چارچوب‌های جامع و قابل قبول برای کلیه متولیان امنیتی، با دشواری‌های بسیاری همراه بوده و مستلزم نگاه چندبُعدی^۴ و توجه عمیق و دقیق به تفاوت‌ها و پیچیدگی‌های ماهیت مسائل امنیت عمومی^۵ در جامعه است (سوارز، ۲۰۰۷؛ کاسا و دمِرت،^۶ ۲۰۱۲). پیچیدگی این پدیده، به حدی است که به‌ندرت کشوری پیدا می‌شود که الگوی جامع و کاملاً روشنی از امنیت عمومی را تولید و ارائه کرده باشد.

با توجه به اهمیت شگرف مبحث امنیت عمومی در عرصه‌های کشورداری، چالش‌های آن همواره ذهن مسئولان نظام و اندیشمندان این حوزه را به خود مشغول ساخته است. به‌طوری‌که گاهی رخدادهایی در کشور نمود می‌کند که غافلگیرکننده بوده و به‌دلیل نبود درک و طرز تلقی مشترک از ماهیت امنیت عمومی، می‌تواند به شکل‌گیری دیدگاه‌های متناقض، تجویز راهکارهای متفاوت و اقدامات ناهمسو منتج شود. این اتفاق، بیشتر زمانی نمود می‌یابد که تعاریف و مفاهیم مشابهی در بین اندیشمندان و مجریان وجود نداشته باشد. در این شرایط ضرورت دارد تا پژوهش‌های بنیادین در حوزه‌های مفهومی امنیت عمومی از حیث شناسایی ماهیت امنیت و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن صورت پذیرد تا ضمن کاهش پراکندگی آراء اندیشمندان و اقدامات مجریان دستگاه‌های امنیتی و هزینه‌های مترتب بر آن، زمینه تدوین و اتفاق نظر بر نظریه امنیت عمومی پایدار، متوازن و متعالی در کشور را فراهم سازد. ضرورتی که کم‌توجهی به آن در طی سال‌های اخیر، پیامدهای ناگوار زیادی را بر امنیت عمومی کشور وارد ساخته است.

نتیجه بررسی‌های اولیه، نشان می‌دهد در حوزه امنیت عمومی، علاوه بر وجود تشت آراء در ترسیم ماهیت آن از منظر متولیان اجرایی و نخبگان امنیتی، حد و مرزهای روشنی در منابع تولید، حمایت

1. public safety

2. Soares

3. Biccocchi, Ross., & Ulieru

4. multidimensional

5. nature of public safety problems

6. Casas-Zamora & Dammert

و کارکردهای امنیت اجتماعی، عمومی و داخلی وجود ندارد، حتی گستره، جایگاه و میزان مسئولیت امنیت عمومی در قبال مردم و بالعکس، هنوز دارای ابهامات دامنه‌داری است. این ابهامات، بستری برای زایش و گسترش نتایج ناگواری را فراهم می‌کند به گونه‌ای که فرآیند مسئله‌یابی، طراحی، آموزش، اقدام و نحوه انتقال مسائل امنیتی از نسلی به نسل دیگر از وضوح کافی برخوردار نبوده و زمینه برای شکل‌گیری مدیریت دانش و دانش مدیریتی در حوزه امنیت عمومی شکل نمی‌گیرد. برای تولید ادبیاتی روشن، در این پژوهش، تلاش شد تا فارغ از هرگونه قضاوتی، ضمن توصیف ذائقه و دیدگاه‌های نخبگان اجرایی و علمی امنیت عمومی در کشور، وجوه مشترک و متفاوت دیدگاه‌های آنها تبیین شود. بنابراین مسئله اصلی در پژوهش حاضر، از یکسو عدم وجود یافته‌های موثق، متقن، کافی و به‌روز در این حوزه و همچنین وجود پراکندگی‌ها و تشتت‌آرا در برداشت‌های متولیان اجرایی و نخبگان علمی در حوزه ماهیت‌شناسی امنیت عمومی بوده است. سعی گردید با درک اهمیت امنیت عمومی به عنوان زمینه و بسترساز توسعه پایدار کشور و اقتدار پویای نظام، ضمن استفاده از تجربه‌زیستی خبرگان و متولیان امنیتی کشور، ماهیت امنیت عمومی از منظر آنها تبیین‌شده و مورد بازنمایی قرار گیرد. بنابراین پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که از منظر خبرگان و متولیان امنیتی کشور، ماهیت امنیت عمومی از چه ابعاد و اولویت‌هایی برخوردار است؟

وجود و تداوم امنیت، سنگ زیربنای حرکت در راستای حیات طیبه فرد و جامعه است و پیش‌شرط هرگونه رشد، توسعه، رفاه و ارتقای مادی و معنوی به شمار می‌رود. از دیدگاه قرآن (آیات مبارکه ۱۲۶ سوره بقره؛ ۵۷ سوره قصص؛ ۱۲ سوره نحل؛ ۹۹ سوره یوسف؛ ۱۸ و ۳۷ سوره سبأ و ۴۶ سوره حجر) نخستین نیاز زندگی اجتماعی انسان، همانا دارا بودن «امنیت» است و تا در یک اجتماع حتی کوچک و چند نفره امنیت برقرار نباشد سایر تلاش‌ها و فعالیت‌ها نیز ثمره چندانی در پی نداشته و استفاده از سایر مزایای زندگی فردی و اجتماعی برای آدمی گوارا نخواهد بود. این معنا به خوبی در بیانات نورانی امیرالمومنین (ع) نهفته است. به گونه‌ای که حضرت در مورد ضرورت حکومت و در پاسخ شبهه خوارج که می‌گفتند «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فرمود: «لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ امِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ ... وَ يِقَاتِلُ بِه الْعَدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِه السَّبَلُ وَ يُؤْخَذُ بِه لِلضَّعِيفِ (خطبه ۴۰ نهج البلاغه) فرمودند: به‌ناچار برای مردم، امیری لازم است؛ خواه نیکوکار یا بدکار، تا به وسیله او با دشمن جنگ شود و راه‌ها امن گردد و حقوق ضعفا

از اقویا گرفته شود و نیکوکاران در رفاه باشند و از شرّ بدکاران آسایش داشته باشند». در این بیان نورانی، امیرالمومنین علی (علیه السلام)، ضمن بیان فلسفه حکومت و ضرورت آن، اهداف و اصول آن را الف) برقراری امنیت، ب) دفاع و مقابله با دشمنان، ج) حمایت از حقوق مظلومان و ستمدیدگان، د) مقابله با ستمگران و متجاوزان، ه) تأمین رفاه، آسایش و آرامش جامعه، و) جمع‌آوری بیت‌المال و مصرف صحیح آن برمی‌شمرد، که با هرج و مرج و تهاجم دشمنان و زورگویی قُلدران به مبارزه برخیزد و حقوق محرومان را تأمین کند (درّی نجف‌آبادی، ۱۳۸۶).

به‌منظور بررسی مبانی نظری، ضرورت دارد تا ابتدا به لحاظ واژه‌شناسی، مفهوم امنیت مورد ریشه‌یابی شود. واژه امنیت در لغت‌نامه‌های فارسی، به معنی در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی بوده و کلمه امن به معنی بی‌بیم شدن، بی‌ترس، اطمینان، آسایش، آرامش قلب و ضد خوف آمده است (عمید، ۱۳۷۴: ۱۹۸) و مصونیت از تعرض و تصرف اجباری برخلاف رضایت است و همچنین امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌هاست. ریشه امنیت در لغت از امن، استیمان، ایمان و ایمنی است که به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است. به عبارت دیگر، امنیت را به اطمینان و فقدان خوف تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بُعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است. از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی، که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردند (زاده‌علی، ۱۳۸۸ و خلیلی، ۱۳۸۴ نقل در پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۱).

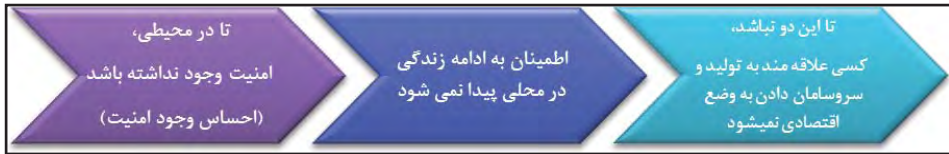
در زبان انگلیسی نیز کلمات متعددی وجود دارد که به مفهوم امنیت نزدیک ولی دارای کاربردهای متفاوت هستند. اصلی‌ترین کلمه انگلیسی که به معنی امنیت بکار رفته و دارای بار سیاسی و اطلاعاتی است، واژه Security است که از واژه Secure منشعب شده و در معانی زیر به کار رفته است: آسایش، آسایش خاطر، امنیت خاطر، خاطر جمعی، اطمینان، تأمین، مصونیت، تضمین، ضمانت، ضامن، وثیقه، گرو، وسیله تأمین، وسیله اطمینان خاطر، بی‌خطری، ایمنی، سلامت، سند، استحکام (آکسفورد، ۱۹۹۷). واژه «Safety» نیز به معنی ایمنی، امنیت، سلامت، محافظت، اطمینان، حالت امن و امان، رستگاری و نجات، در امنیت و امان، وسیله حفاظت، خلاصی، رهایی و قابلیت اعتماد به کار می‌رود. در فرهنگ آکسفورد امنیت به معنای «در حفظ بودن، فراغت از خطر یا اضطراب و

تشویش آمده است. به زعم «کلمنتس» (۱۳۸۴: ۲۸۵) امنیت واژه‌ای است که به شدت از تعریف می‌گریزد و عملیاتی کردن آن بسیار دشوار است، مگر آن‌که به واسطه نامنی تعریف شود. بیش‌تر جامعه‌شناسان این مفهوم را به طور کامل نادیده می‌گیرند و بر واژگانی همچون قدرت، اقتدار، نظم و کنترل متمرکز می‌گردند. «باری بوزان»^۱ امنیت را حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) تعریف می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). امنیت بنا به تعریف «دومینیک»، ایجاد فضایی است که در آن فرد یا جمعی خودشان را در وضعیت آسیب‌پذیر احساس نمی‌کنند و فقط ابزار رفع تهدید در اختیار آنها قرار می‌گیرد. امنیت به زعم «لارونی»، «تضمین رفاه آتی»، به زعم «جان مورز» رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش، و به زعم «گالتنگ»، مترادف با ریشه‌کن کردن خشونت از جوامع انسانی است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵ نقل در لطفی و همکاران، ۱۳۹۰).

محققان ایرانی نیز تعاریف همسانی ارائه داده‌اند. در دانشنامه سیاسی، امنیت ملی به حالتی گفته شده است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت و دارایی یا خاک خود به سر برد. تعریف دیگر بر احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های ملی و عدم ترس از خطرات جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور تأکید دارد. مؤمنی (۱۳۹۰)، امنیت عمومی را وضعیتی تعریف کرده است که ضمن حفظ و حراست از ارزش‌های اساسی و هنجارهای جامعه، عموم مردم از هرگونه تعرض و تهدیدی نسبت به جان، مال، ناموس و عرض خود در امان بوده و در خصوص رعایت و حمایت از حقوق مشروع خود از طرف سایر بازیگران (افراد، گروه‌ها، نهادها و دولت) اطمینان خاطر داشته و احساس آرامش کنند (مؤمنی، ۱۳۹۰: ۴).

قرآن کریم به عنوان کلام الهی در این زمینه نیز راهنمای بسیار ارزشمندی است. خداوند متعال در آیه ۱۱۲ سوره مبارکه نحل، سه ویژگی برای منطقه آباد خوشبخت و پربرکت، برشمرده است که اولین ویژگی آن، امنیت، سپس اطمینان به ادامه زندگی در آن، و بعد از آن مسئله جلب روزی و مواد غذایی فراوان است. که از نظر ترتیب طبیعی به همان شکل که در آیه آمده، صورت حلقه‌های زنجیری علت و معلول دارد، چرا که تا امنیت نباشد، کسی اطمینان به ادامه زندگی در محلی پیدا نمی‌کند و

تا این دو نباشند کسی علاقه‌مند به تولید و سر و سامان دادن به وضع اقتصادی نمی‌شود و این درسی است برای همه ما و همه کسانی که می‌خواهند سرزمینی آباد، آزاد و مستقل داشته باشند، باید قبل از هر چیز به مسئله امنیت پرداخت، سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار کرد و به دنبال آن چرخ‌های اقتصادی را به حرکت درآورد (تفسیر نمونه، ج ۱۱: ۴۳۳).



نمودار ۱. حلقه‌های زنجیری علت و معلولی تأثیرگذار بر شکل‌گیری منطقه‌ای آباد و پر برکت (آیه ۱۱۲ سوره نحل)

تأملی در سیر تحولی مفهوم امنیت و مصادیق آن نشان می‌دهد که در دیدگاه سنتی، بر «ایمن ساختن جاده‌ها به ویژه برای تجار و زوار»، در دیدگاه مدرن بر «تمایز قائل شدن بین دوست و دشمن و حفاظت از دوستان در مقابل دشمنان» و در دیدگاه پست مدرن، تأکید بر «کثرت زندگی و ایجاد امکان مواجهه با عقاید متنوع به منظور توسعه رفاه اجتماعی» است. صاحب‌نظران امنیت را از جهات مختلف مورد تقسیم‌بندی قرار داده‌اند (واثقی، ۱۳۸۰: ۲۱-۱۷) که در جدول ۱، به اختصار تبیین شده است:

جدول ۱. تقسیم‌بندی‌های امنیت به تفکیک عوامل جغرافیایی، محل استقرار و عامل به وجود آورنده و ساختاری (لرنی، ۱۳۸۳: ۳۳).

تعریف	زیربخش‌ها	عامل تقسیم‌بندی
برقراری نظم و آرامش و ایمنی در درون سرزمین و حوزه حاکمیت یک کشور	امنیت داخلی	جغرافیایی
وجود آرامش و ایمنی و آسودگی خیال و فراغ بال و مصونیت از خطر در خارج از سرزمین یک کشور است به نوعی که خطری منافع و اموال آن کشور را در خارج از مرزها تهدید نکند	امنیت خارجی	
نوعی از امنیت است که در وجود انسان شکل می‌گیرد و مستقر می‌شود	امنیت درونی	محل استقرار و عامل بوجود آورنده آن
به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به امنیت درونی، شامل نوعی از امنیت که بر اثر عوامل خارج از وجود انسان و در درون او شکل گرفته است	امنیت بیرونی	
همان امنیت شخصی است محصول و برآیند امنیت درمال، جان، فکر و عاطفه افراد است و هرچه توانائی و انسجام تشخیص افراد در این گونه ابعاد بیشتر باشد از امنیت و آسایش فردی بیشتری برخوردار خواهند بود	امنیت فردی	ساختاری
یعنی آرامش و آسودگی خاطری که جامعه برای اعضاء خود ایجاد می‌کند و مهمترین خصلت امنیت اجتماعی این است که جامعه خود مسئول بوجود آوردن آن است و مرتبط با افراد درون یک جامعه است	امنیت اجتماعی	

در تقسیم‌بندی دیگری، امنیت در قالب دو گفتمان سلبی و ایجابی، تفکیک شده است. در گفتمان سلبی که بر جنبه عینی تهدیدات تأکید دارد، امنیت با نبود تهدید تعریف می‌شود. شاخصه بارز آن تأکید بر بُعد نظامی است. راهبرد اصلی در این رویکرد امنیتی، تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان است. در گفتمان ایجابی که در پی نقد جدی مبانی و اصول گفتمان امنیت سلبی یا به عرصه وجود گذاشت، امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود، بلکه افزون بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های جمعی نیز مدنظر است (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۸). گفتمان ایجابی امنیت^۱ در سال‌های دهه ۹۰ مطرح شد که ملاحظات سلبی و سنتی امنیت، نمی‌توانند پاسخگوی تحولات جامعه باشند (مرادیان، ۱۳۸۵). فروپاشی شوروی نیز مؤید این بود که ساختارهای سنتی دیگر نمی‌توانند جوابگوی نیازها باشند. اما واقعه ۱۱ سپتامبر و عواقب آن، این روند را دچار وقفه کرد و توجه به گفتمان سلبی را بهبود بخشید.

در فرهنگ قرآنی، امنیت یک مفهوم وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمام ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و امنیتی و داخلی و خارجی می‌شود و بر الگویی از امنیت تأکید می‌شود، که با اقتدار و انسجام و وحدت و ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بُعد امنیت خارجی و استحکام درونی امت اسلامی می‌داند و هرگونه دغدغه و نگرانی و ناامنی در یک بُعد را مؤثر در ابعاد دیگر و هرگونه قوت و قدرت در یک حوزه را منشأ قدرت و اقتدار در حوزه‌های دیگر می‌داند. به گونه‌ای که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نامه ۳۹ نهج‌البلاغه در خصوص تأثیر رفتار و مرام حاکم اسلامی در ثبات یا بی‌ثباتی امنیت به مالک اشتر (رحمه‌الله‌علیه) می‌فرماید «مبادا با خود بگویی مرا فرمانروایی داده‌اند و فرمان می‌دهم و باید بی‌درنگ اجرا شود. این سیاه‌کننده دل و ویرانگر دین و عامل نزدیک‌کننده به انفجارهای اجتماعی است». همچنین ایشان عدم رعایت عدالت و انصاف را موجب بروز ناامنی معرفی کرده و به متولیان و مسئولان متذکر می‌شوند که «نسبت به مردم عدل و انصاف را به کار بند و از زورگویی، تجاوز و خشونت، بی‌عدالتی، انحراف از حق و بیراهه رفتن و حیف و میل پرهیز کن. چون شدت و خشونت موجب کوچ کردن و مهاجرت می‌شود و

حیف و میل و تجاوز به حقوق مردم، آنان را وادار می‌کند دست به اسلحه ببرند» (حکمت ۴۷۶ نهج البلاغه).

امروزه با افزایش زمینه‌های تأثیر و تأثری که کشورها از امنیت یکدیگر می‌گیرند، می‌توان گفت که امنیت هر کشوری، به گونه‌ای انفکاک‌ناپذیر در گرو کیفیت تعاملی است که در ایجاد و تقویت امنیت در سایر مناطق و کشورها، دارد. بنابراین اگر کشوری در تعاملات بین‌المللی، نقش سازنده‌ای در حفظ، ایجاد و تقویت امنیت نداشته باشد، داشتن انتظار برای حفظ و ارتقای امنیت پایدار و فراگیر در کشور خود، منطقی به نظر نمی‌رسد. دین مبین اسلام نیز در این خصوص، دستورات درخور توجهی دارد که در ایجاد تمدن اسلامی، نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. اسلام برای حفظ امنیت جامعه اسلامی و یا به عبارت دیگر، برای حفظ ارزش‌های خود، با بیگانگان در ستیز دائمی نیست. اسلام، دروازه‌های جامعه اسلامی را بر روی دیگران نمی‌بندد، سیاست انزوای طلبی را در پیش نمی‌گیرد تا امنیت جامعه اسلامی اش حفظ شود؛ بلکه دستور می‌دهد که اصل اولیه در روابط و در تأمین روابط جهانی، بر صفا و صمیمیت و محبت و لطف قرار گیرد، مگر این که دلایلی باعث شود که این اصل، مقید شده و یا تخصیص بخورد. یکی از مواردی که این اصل تخصیص بدان وارد می‌شود، مسئله به خطر افتادن امنیت کشور اسلامی است. بنابراین، اصل اولیه این است که مسلمانان هوشیاری سیاسی‌شان را از دست ندهند، نه این که از اول اسلحه بردارند و با دیگران بجنگند، قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعا» (نساء: آیه ۷۱) بر این اساس می‌توان این بحث را مطرح کرد که اسلام برای حفظ امنیت داخلی خود، راهبردها و تاکتیک‌های خاصی را مد نظر دارد. از دیدگاه اسلام، تا کشوری و یا قدرتی، تهدیدی علیه منافع مسلمین و مصالح و عزت مسلمانان ایجاد نکرده، سیاست کشور اسلامی باید تدبیر و شناسایی تحرکات کلی باشد و البته در برابر دشمن نیز باید هشیار و مسلح بود. به عبارت دیگر، سیاست خذوا حذرکم داشته باشید، ولی اگر در مرحله‌ای دشمن، امنیت شما را نه بالقوه، که بالفعل تهدید کرده و به ثغور مسلمین وارد شد، در این صورت، دیگر سیاست خذوا حذرکم، پسندیده نیست؛ بلکه باید به راهبردها «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل و ترهبون به عدوا الله» (انفال: آیه ۶۰) عمل نمود و نیز در آیه نفی سبیل، «لن

يجعل الله لكافرين على المؤمنين سيلا» (نساء: آیه ۱۴۱) قرآن دستور هشیاری و بیداری می‌دهد که براساس آن، کفار نباید بر هیچ یک از ابعاد زندگی انسان مسلمان سلطه و برتری داشته باشند. در راستای هوشیاری نسبت به دشمنان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: از دشمنی که عداوت خود را پنهان می‌کند، بیشتر احتیاط کن، تا دشمنی که آشکارا دشمنی می‌کند (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰: ۳۱۱).

امنیت عمومی بر بُعد درونی امنیت تکیه دارد یا به عبارت دیگر برایجاد آرامش و نظم داخلی تکیه می‌کند. مقوله امنیت عمومی نیز نسبی است. از یک سو به تعاریفی بستگی دارد که در مورد عوامل مؤثر امنیتی عمومی اراده می‌شوند و از سوی دیگر به احساس کلی مردمی که با مقوله امنیت درگیر هستند، مرتب است. درعین حال بُعد درونی امنیتی «امنیت عمومی» و بعد بیرونی امنیت (امنیت ملی) دارای ارتباط متقابل می‌باشند (حیدری، ۱۳۸۴: ۶). از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های کلان امنیت عمومی، برقراری امنیت و نظم پایدار، تحکیم اقتدار و ثبات اجتماعی، رشد فضائل انسانی و ارزش‌های والای اسلامی، حفاظت از آزادی و حقوق مشروع فردی و اجتماعی و بالاخره ایجاد رضامندی عمومی و از میان بردن هرگونه ترس و هراس در میان مردم است. توجه به نقش نهادهای اجتماعی، گروه‌های سیاسی و اجتماعی، ساختار اداره کشور و جنبه‌های نرم‌افزاری امنیت عمومی مثل مشروعیت، هویت، مشارکت عمومی، اجماع‌نخبگان در مسائل اساسی کشور، حفظ تسلط فرهنگ ملی بر خرده فرهنگ‌ها، عمومیت‌یابی تفکر نظم و امنیت، تحمل‌پذیری و قانون‌گرایی در شرایط فعلی جامعه و جهان بسیار حائز اهمیت است (موذن جامی، ۱۳۸۴: ۳۳). افتخاری و نهازی (۱۳۸۹) درخصوص مفهوم امنیت عمومی از منظر مقام معظم رهبری، در پژوهشی به مطالعه و بررسی مجموعه بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹ پرداختند. آنها در مطالعه خود، بر این باور رسیدند که می‌توان ابعاد ذهنی امنیت عمومی در بیانات مقام معظم رهبری را به عنوان مرزهای مفهومی امنیت عمومی و ابعاد مادی امنیت عمومی را، مرزهای عملی آن منظور نمود. آنها به این نتیجه رسیدند که نگاه ایشان به امنیت عمومی، نگاهی موسع و عام‌نگرانه است. تحلیل محتوای ویژگی‌های امنیت عمومی از دیدگاه مقام معظم رهبری، نشان داد که شاخص‌های بُعد مادی مورد نظر ایشان شامل «امنیت فضای زندگی، محیط زیست فرهنگی،

فساد (رابطه میان فساد و امنیت عمومی)، اخلاق بی‌بند و باری غربی، رواج مشروبات الکلی، دروغ‌گویی، خشونت افراد علیه یکدیگر - کم‌تحملی نسبت به یکدیگر، ستم به زنان - خشونت خانوادگی، تعارض به حیثیت و آبروی مردم (غیبت، بهتان، تهمت، پرده‌داری و افشاگری)، تعرض به نوامیس مردم، نامنی ناموسی، سرقت، شرارت و لابلالی‌گری، تخلف از مقررات زیستی، شهری، روستایی و صحرائی، ناامنی جاده‌ها، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، فساد سیاسی، ناامنی مالی - فساد اقتصادی - دست‌اندازی به ثروت‌های عمومی، فساد اداری - رشوه خواری و دخالت و تحریکات دشمن خارجی»، است. همچنین در جمع‌بندی نشانگرهای بُعد ذهنی امنیت عمومی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری، به مصادیقی نظیر «نظم اجتماعی» که متأثر از کارکردهای فرهنگی جامعه است؛ «ایمان مذهبی مردم»؛ «اخلاق حسنه»؛ «مرزهای عقیدتی و ایمانی و ارزش‌های اجتماعی»؛ «تبعیض و بی‌عدالتی و رابطه اخلاق، عدالت اجتماعی و امنیت عمومی»؛ «ارزش‌های خانواده، زن و ازدواج»؛ «اعتماد عمومی»؛ «وحدت کلمه و محبت به یکدیگر» و «همبستگی و انسجام ملی»؛ «ملکات انسانی، احساس مسئولیت، شجاعت، صفا، صدق، نشاط، فعالیت و کار، شعور عمومی» اشاره داشتند.

همانگونه که بررسی معنا و مفهوم امنیت عمومی، مؤلفه‌های تأثیرگذار و سیر تحولی آن نشان داد، نوع نگاه به چیستی و برداشت از امنیت عمومی متناسب با رهیافت و رویکرد انتخابی از سوی کارگزاران امنیتی هر کشور، متفاوت بوده و از آن جا که جهت‌گیری‌ها به موضوعات محتوایی مورد بحث در امنیت عمومی، حوزه متنوع و گسترده‌ای را شامل می‌شود بنابراین شناسایی و زمینه‌سازی برای ایجاد حس مشترک و درک همه‌پذیر از انواع تلقی و نگاه به ماهیت امنیت عمومی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. پژوهش حاضر سعی کرده است با درک اهمیت امنیت عمومی به عنوان زمینه و بسترساز توسعه پایدار کشور و اقتدار پویای نظام، ضمن سنجش دیدگاه‌های خبرگان و متولیان امنیتی کشور، ماهیت امنیت عمومی از منظر آنها درک شده و مورد تبیین قرار دهد. در ادامه برخی از انواع تلقی و نگاه به ماهیت امنیت عمومی به تفکیک دیدگاه‌های متداول به‌طور خلاصه در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. انواع تلقی و نگاه به ماهیت امنیت عمومی به تفکیک دیدگاه‌های متداول

انواع تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی	نگاه نسبت به ماهیت امنیت عمومی عبارت‌است از:
ذهنی	تهدیدی نسبت به ارزش‌های کسب شده وجود ندارد.
عینی	نبود هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد.
سخت‌افزاری	استفاده از ابزار نظامی و برخورد قهرآمیز با تهدیدات داخلی؛ به‌جای تفاهم، مصالحه و جذب مخالفان، سعی در برخورد و نابودی آنان را دارد.
نرم‌افزاری	وضعیتی مبتنی بر احساس رضایت ناشی از تأمین خواسته‌های بازیگران و ارائه پاسخ‌های قانع‌کننده به آنهاست. (حل یا کاهش مسئله از طریق گفت‌وگو)؛ امنیت نرم در بعد داخلی، به‌واسطه مشروعیت سیاسی دولت ایجاد و با افزایش اعتماد، وفاق و همبستگی ملی افزایش می‌یابد. در این رویکرد به‌جای استفاده از خشونت و حمله، بیشتر به‌دنبال دفاع و اقتناع مردم علیه حمله است و کاهش صدمات را مدنظر دارد.
عام‌گرا	ارائه تعریف جامع از امنیت عمومی که قابلیت تحت پوشش قراردادن گونه‌های مختلف امنیت در عرصه‌های داخلی را داشته باشد.
خاص‌گرا	تلاش برای تخصیص و محدود کردن حوزه امنیت عمومی و تفکیک آن از سایر گونه‌های امنیت است
سلبی	نبود ترس، نبود اجبار، نبود خطر خارجی یا رفع نیازمندی‌های اجتماعی یا ترکیبی از عوامل که آن را رسالت دولت می‌داند. در گفت‌وگو سلبی که بر جنبه عینی تهدیدات تأکید دارد، امنیت با نبود تهدید تعریف شده و شاخصه بارز آن تأکید بر بُعد نظامی است. راهبرد اصلی در این رویکرد امنیتی، تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان است.
ایجابی	توجه به شرایط مطلوب و ایده‌آل است. از دیدگاه ایجابی، امنیت تنها به معنای فقدان تهدید خارجی نیست، بلکه بر این اصل استوار است که زمینه‌های درونی، باعث بروز تهدیدات خارجی می‌شود. تهدید در نگاه ایجابی، شکل درون‌نگر دارد بی آنکه نافی بُعد خارجی باشد. در این نگاه اهمیت تهدیدات به میزان زیادی نرم‌افزاری یعنی از جنس تصویر و مجازی است.
چندوجهی	امنیت عمومی از مؤلفه‌های اقتصادی، محیط زیست و منابع، اجتماعی- فرهنگی و سیاسی تشکیل شده که تأمین حداقل این مؤلفه‌های چهارگانه، باعث تأمین امنیت عمومی می‌شود و نابسامانی یا عدم مدیریت در این حوزه‌ها، باعث ایجاد مسائل حل‌نشده می‌شود؛ در نگاهی دیگر، ماهیت چندوجهی امنیت عمومی عبارت است از: احساس امنیت روانی، فکری، اقتصادی، جانی، حیثیتی و قضایی؛
امنیت، فرایندی درون‌زاد (امنیت اجتماعی شده)	امنیت فرایندی درون‌زاد دارد که از درون جامعه و تعاملات اجتماعی بین شهروندان می‌جوشد و مبتنی بر رضایت‌مندی شهروندان است تا از این طریق، امکان پالایش مناسبات از مفاسد اجتماعی فراهم آید. (نقش پیشگیری- نظارتی قدرت سیاسی در تأمین امنیت)
امنیت، فرایندی برون‌زاد (اجتماع امنیتی شده)	امنیت فرایندی برون‌زاد دارد که در فضای مناسبات میان قدرت رسمی و شهروندان معنا و مفهوم پیدا می‌کند تا از این طریق امکان اعمال قدرت مشروع فراهم آید؛ دولت وظیفه تأمین امنیت را دارد.
آینده‌نگر	تضمین رفاه آتی؛ در این رویکرد، نگاه غالب، تمرکز بر ساختارهای سنتی، به‌منظور برقراری امنیت نیست، بلکه سنجش دقیق و عمیق وضعیت موجود، شناسایی ابعاد، زوایا، محیط، محاط و فرصت‌های حرکت به سمت وضعیت مطلوب و اتخاذ و پیاده‌سازی تدابیر هوشمندانه‌ای است که ضمانتی برای زمینه‌سازی رفاه آتی جامعه، استمرار آن و نزدیک شدن به وضعیت مطلوب باشد. سعی بر این است تا ضمن حفظ و ارتقای آمادگی، از سازوکارهای بهینه برای استقبال از تغییرات و مواجهه هوشمندانه با شرایط پیشرو، استفاده شود.

روش

پژوهش حاضر، به لحاظ هدف، و به منظور پاسخگویی به دو موضوع اصلی، «شناسایی ماهیت امنیت عمومی از منظر خبرگان و متولیان امنیتی کشور و اولویت‌بندی تلقی نسبت به آن» از نوع کاربردی به‌شمار می‌رود و از طرفی چون نتایج پژوهش متولیان نهادهای امنیتی را به شناخت بیشتر شرایط موجود و کمک به فرایند تصمیم‌گیری رهنمون می‌نماید، توصیفی از نوع پیمایشی به‌شمار می‌رود. جامعه پژوهش شامل دو دسته الف) مدیران و متولیان و خبرگان امنیتی کشور (۴۰ نفر) ب) متخصصان حوزه روش‌شناسی (۳۲ نفر) هستند. به‌منظور انتخاب نمونه، از روش دردسترس بهره‌گرفته شد. بدین‌منظور، طیفی از پژوهشگران و مسئولان تصمیم‌گیرنده امنیت عمومی کشور - که غالباً در تهران ساکن بوده‌اند - به‌عنوان مخاطب، مورد انتخاب و بررسی قرار گرفتند. پیشینه پژوهش به روش اسنادی و با استفاده از حدود ۲۰ جلد کتاب، ۱۲ پایان‌نامه، ۱۶ جلد گزارش تحقیق، و ۱۰۰ مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

به‌منظور گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه نیمه‌باز و بیشتر باز استفاده شد. دو ویژگی اساسی اندازه‌گیری که باید در بررسی تناسب و مفید بودن ابزارهای اندازه‌گیری مورد توجه قرار گیرد، روایی و اعتبار است (هومن، ۱۳۸۶). در تأمین روایی محتوای پرسش‌نامه‌های مورد استفاده، از نظرات ۱۰ نفر از متخصصان، استفاده شد. به‌منظور برآورد اعتبار پرسش‌نامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب همسانی درونی کل پرسش‌نامه، ۸۷ صدم است که با توجه به معیار «متس‌آمورنن» (۱۳۸۵)، در وضعیت مطلوبی قرار دارد و می‌توان از میزان اعتبار پرسش‌نامه پژوهش اطمینان حاصل کرد (ترجمه کامکار و آسرای، ۱۳۸۵: ۶۶).

به‌منظور گردآوری داده‌های عمیق‌تر، ضرورت داشت تا نظرات خبرگان با توجه به دو طیف متفاوت پاسخ‌دهندگان، از فنون «تل‌استار، دلفی و فیش‌باول» استفاده شد. در ادامه هر یک به اختصار توضیح داده شده است.

فن دلفی: فرآیندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نظر گروهی از

کارشناسان و خبرگان است که از طریق توزیع پرسش‌نامه‌های در بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی، صورت می‌گیرد (آدلر و زگیلو، ۱۹۹۶). اساس و پایه فن دلفی بر این است که نظر متخصصان هر حوزه علمی در مورد پیش‌بینی صائب‌ترین نظر است. بنابراین، برخلاف روش‌های تحقیق پیمایشی، اعتبار فن دلفی نه به تعداد شرکت‌کنندگان در تحقیق، که به اعتبار علمی متخصصان شرکت‌کننده در پژوهش بستگی دارد. شرکت‌کنندگان در تحقیق دلفی از ۵ نفر به بالا را شامل می‌شود. این روش در شرایطی مناسب است که موضوع پیچیده باشد، سوابق و تجربیات مورد نیاز تحقیق، طیف گسترده‌ای از سوابق و تجربیات را در بر گیرد، امکان هم‌نشینی و گردهمایی ممکن نباشد (عباس زادگان و ترک‌زاده، ۱۳۸۱). از فن دلفی هنگامی استفاده می‌شود که الف) بخواهیم نظر اعضای یک گروه را در مورد مسئله‌ای به دست آوریم، بی‌آنکه روبروشدن آنان سبب احتمال خطا در قضاوت شود؛ ب) هنگامی که امکان تجمع اعضای یک گروه، در یک‌جا ممکن نباشد یا عواقبی را به همراه داشته باشد؛ ج) زمانی که لازم است اعضای گروه نسبت به تصمیم عواقب آن، به‌طور کامل آگاه و مسئول باشند؛ د) هنگامی که حضور چهره‌های بالادست و فشار همتایان بر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد. با توجه به شرایط برشمرده شده، تناسب بالایی میان شرایط ذکر شده و شرایط پژوهش حاضر، وجود داشته است، ازاین‌رو از فن دلفی برای گردآوری و سازماندهی داده‌ها استفاده شده است.

فن فیش‌باول^۱: این فن زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که تعداد افراد شرکت‌کننده در پژوهش، محدود و دسترسی و تجمع‌شان در یک مکان، ممکن باشد. همچنین برای پژوهش، محدودیت زمانی وجود داشته باشد. در این روش افراد مورد نظر به مکان خاصی دعوت شده به گروه‌های کوچک ۶ تا ۸ نفری تقسیم می‌شوند و به تبادل نظر درباره موضوع مورد پژوهش، می‌پردازند و در پایان هر گروه فهرستی از نظرات و عوامل تأثیرگذار بر مسئله پژوهش، را تدوین می‌نمایند. سپس نمایندگان گروه‌ها به بحث و تصمیم‌گیری درباره یافته‌ها و اولویت‌بندی آنها می‌پردازند. از مزایای این روش، کار گروهی، سرعت زیاد و هزینه کم است. داده‌ها در سه مرحله از طریق توزیع پرسش‌نامه‌ها در بین افراد نمونه منتخب، گردآوری گردید. در بخش تحلیل نظرات خبرگان با استفاده از فن دلفی، مجموعه‌ای از سؤالات به‌صورت تدریجی و مرحله به مرحله به افراد کارشناس ارائه شد. پاسخ هر سؤال توسط گروه بررسی مورد تحلیل قرار گرفته و در طرح

سؤال بعدی مورد استفاده قرار گرفت. این کار در چند مرحله پیاپی صورت می‌گیرد تا اینکه سرانجام کارشناسان به نقطه توافق در مورد اهداف یا نیازهای سیستم دست یابند. معمولاً برای این توافق، معیار مشخصی وجود ندارد. معیاری که معمولاً مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان، موافق این باشند که این رویدادها با احتمال ۵۰ درصد تا ۹۰ درصد رخ خواهند داد.

یافته‌ها

اگر به جای تلاش به منظور ارائه تعریفی از امنیت، تصویری از نتایج آن را ارائه کنیم شاید بین مخاطبان نقاط اشتراک زیادی پدید آید. آبادانی، کنترل جرائم و جنایات، کارآمدی بروکراسی، حفظ محیط زیست، وجود برنامه‌های روشن برای ارتقاء سطح درک و فهم طبقات سنی اجتماع و در یک کلام رفاه ملی ناشی از وفاق ملی، نتایج بارز وجود امنیت است. این شرایط زمانی به وجود می‌آید که قوه بالغه و عاقله‌ای فارغ از تشنجه‌ها و تغییرات شتابان محیطی و درون سیستمی مبتنی بر الگوهای فکری، مستمراً در حال ارزیابی علمی از حیث توانایی در درک وقایع و پیش‌بینی آینده بتواند به ترسیم نظمی باثبات اقدام کند. این نظم باثبات بدون شک به آینده امیدوار و از ثبات خود مطمئن است. از عمده‌ترین اقدامات در زمینه ترسیم نظمی باثبات، تعریف و دسته‌بندی دیدگاه‌های نخبگان امنیتی در خصوص ماهیت و جنس امنیت عمومی است. در ادامه، دیدگاه‌های نخبگان امنیتی در خصوص ماهیت و جنس امنیت عمومی در جدولی کلی، به تفکیک انواع تلقی‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۳. توزیع درصد انواع دیدگاه‌ها نسبت به ماهیت امنیت عمومی به تفکیک

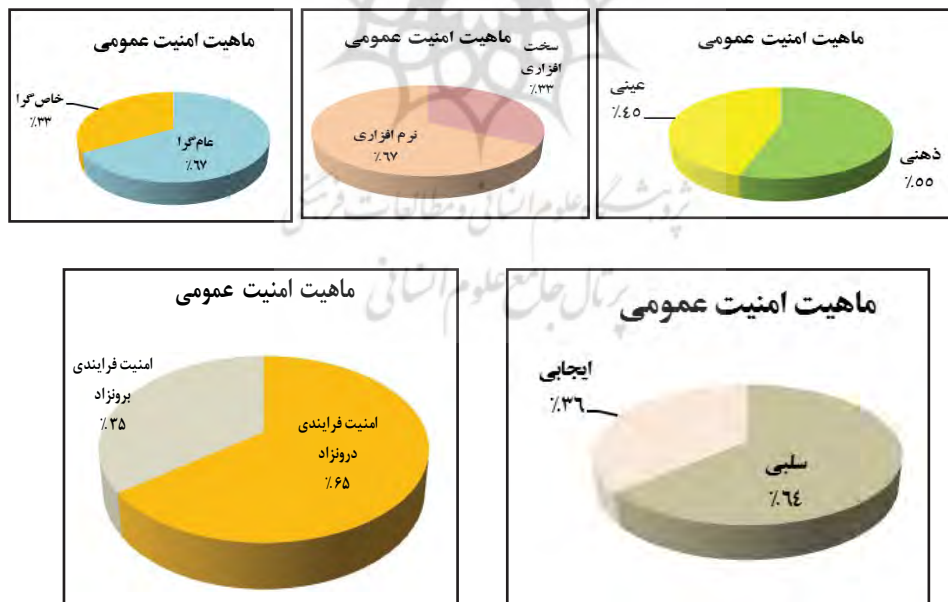
دسته‌بندی‌های رایج از منظر پاسخ‌دهندگان

ردیف	انواع تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی	درصد
۱	ذهنی	۵۵٪
۲	عینی	۴۵٪
		۱۰۰
۳	سخت افزاری	۳۳٫۳
۴	نرم افزاری	۶۶٫۷

ادامه جدول ۳. توزیع درصد انواع دیدگاه‌ها نسبت به ماهیت امنیت عمومی به تفکیک ...

۱۰۰		
۶۶٫۷	عام‌گرا	۵
۳۳٫۳	خاص‌گرا	۶
۱۰۰		
۶۳٫۶۴	سلبی	۷
۳۶٫۳۶	ایجابی	۸
۱۰۰		
۶۴٫۷۱	امنیت، فرایندی درون‌زاد (امنیت اجتماعی‌شده)	۹
۳۵٫۲۹	امنیت، فرایندی برون‌زاد (اجتماع امنیتی‌شده)	۱۰
۱۰۰		

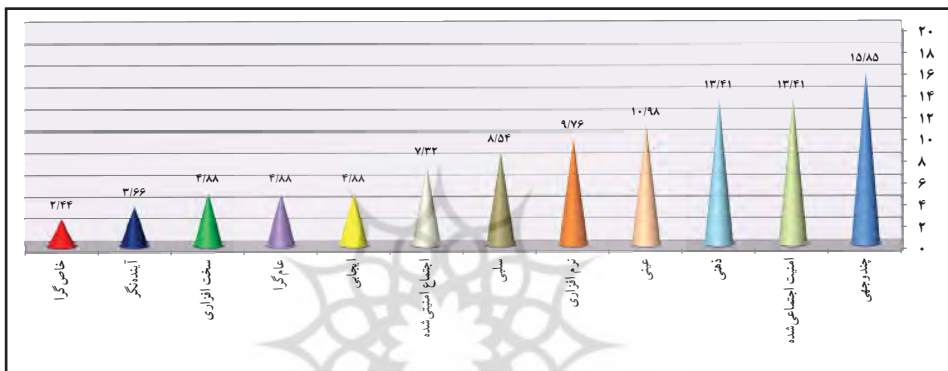
در نمودارهای زیر، می‌توان هر یک از سطوح انواع تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی را نسبت به حالت قرینه‌اش مورد مشاهده قرار داد. برای مثال میزان تلقی نرم‌افزاری به ماهیت امنیت عمومی در مقایسه با نگاه سخت‌افزاری ۶۷ درصد به ۳۳ درصد است. سایر وجوه قابل مقایسه را نیز می‌توان از جدول بالا استنباط کرد.



نمودارهای ۲ تا ۶. انواع دیدگاه‌ها نسبت به ماهیت امنیت عمومی به تفکیک دسته‌بندی‌های رایج از منظر پاسخ‌دهندگان

جدول ۴. اولویت بندی انواع تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی

اولویت بندی انواع تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی از منظر مشارکت دهندگان												
رویکردها	چندوجهی	ماهیت اجتماعی شده	ذهنی	عینی	نرم افزاری	سلبی	اجتماع امنیتی شده	ایجابی	عام گرا	سخت افزاری	آینده نگر	خاص گرا
درصد	۱۵/۸۵	۱۳/۴۱	۱۳/۴۱	۱۰/۹۸	۹/۷۶	۸/۵۴	۷/۳۲	۴/۸۸	۴/۸۸	۴/۸۸	۳/۶۶	۲/۴۴



نمودار ۷. توزیع انواع تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی به ترتیب اولویت از منظر پاسخ دهندگان

همان گونه که از جدول ۴ استنباط می شود، بیشترین تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی، مربوط به دیدگاه چندوجهی است، دیدگاهی که در آن باور بر این است که امنیت عمومی از مؤلفه های اقتصادی، محیط زیست و منابع، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی تشکیل شده و تأمین حداقل این مؤلفه های چهارگانه، باعث تأمین امنیت عمومی می شود. به دیگر سخن، نابسامانی یا عدم مدیریت در این حوزه ها، باعث ایجاد مسائل حل نشدنی می شود؛ در نگاهی دیگر، ماهیت چندوجهی امنیت عمومی عبارت است از: احساس امنیت روانی، فکری، اقتصادی، جانی، حیثیتی و قضایی؛ از سوی دیگر، دیدگاه خاص گرا به امنیت عمومی، کمترین فراوانی را دارد. دیدگاهی که در آن برای تخصیص و محدود کردن حوزه امنیت عمومی و تفکیک آن از سایر گونه های امنیت تلاش می شود.

بحث و نتیجه گیری

مفهوم امنیت مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی دارای تعریف واحد و مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب نظران نیست. ریشه این عدم اتفاق نظر نیز به برداشت متفاوت افراد، گروه‌ها و کشورها از این واژه باز می‌گردد. شاید علت این عدم اتفاق نظر، گستردگی و کلیت اکثر مسائل و ارزش‌های انسانی- اجتماعی است که همگی تحت تأثیر این مفهوم قرار دارند. برای تبیین سؤال پژوهش درخصوص ماهیت و جنس امنیت عمومی لازم است، مروری بر نتایج داشته باشیم. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود دیدگاه‌ها نسبت به ماهیت امنیت عمومی در پنج گروه دو بُعدی آورده شده که تحلیل نتایج، گویای آن است که در بین این پنج گروه، دیدگاه عام‌گرا و نرم‌افزاری رتبه اول، امنیت فرایندی درون‌زاد رتبه دوم، دیدگاه سلبی در رتبه سوم و دیدگاه ذهنی رتبه چهارم را دارد. نکته قابل توجه این است که بیش از ۸۱٪ پاسخ‌دهندگان فقط یک دیدگاه را کافی ندانسته و قائل به بیش از یک دیدگاه بوده و تمایل به رویکردی چندوجهی دارند.

جدول ۵. خلاصه نتایج مربوط به طیف پاسخگویی به انواع طرز تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی

عینی (۴۵٪) سخت‌افزاری (۳۳/۳٪) خاص‌گرایی (۳۳/۳٪) ایجابی (۳۶/۳۶٪) امنیت فرایندی برون‌زاد (۳۵/۲۹٪)	↔ ↔ ↔ ↔ ↔	ذهنی (۵۵٪) نرم‌افزاری (۶۶/۷٪) عام‌گرا (۶۶/۷٪) سلبی (۶۳/۶۴٪) امنیت فرایندی درون‌زاد (۶۴/۷۱٪)
آینده‌نگر (۱۸/۷۵٪)		چندوجهی (۸۱/۲۵٪)

با توجه به نتایج به‌دست آمده، طرز تلقی بر این است که بیشترین امنیت، زمانی برقرار می‌شود که حل مسئله مبتنی بر گفت‌وگو بوده و طیف کلی مفهوم امنیت را نیز شامل شود (دیدگاه عام‌گرا و نرم‌افزاری). این یافته در برابر دیدگاه سلبی قرار می‌گیرد که در مرتبه سوم یافته‌ها است و معتقد است، نبود ترس، نبود اجبار، نبود خطر خارجی یا رفع نیازمندی‌های اجتماعی و یا ترکیبی از عوامل که آن را رسالت دولت می‌داند، می‌تواند تأمین‌کننده مفهوم امنیت باشد.

در تبیین این بخش از یافته‌ها می‌توان گفت: این یافته ترجمان تأکیدات امام خمینی (ره) است مبنی بر «وام‌داری» دولت به ملت، ضرورت رعایت جایگاه والای مردم، احتراز از تعرض به

حقوق مردم، پرهیز از رفتارهای متکبرانه، عدم تصرف حوزه‌های فعالیت مردم توسط قدرت و... این عبارت حکایت از آن دارد که تحصیل «امنیت عمومی» بدون پردازش یک نظریه معقول و مناسب توسط «دولت» ممکن نیست (افتخاری ۱۳۸۰: ۱۵۳-۱۶۹). اگرچه، ماندل (۱۳۷۷: ۵۲)، می‌گوید: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند و نیز اکثر علمای علم سیاست (عصاریان نژاد، ۱۳۸۲: ۶)، بر این باورند که برای تحقق امنیت «فلسفه وجودی دولت» یا «فلسفه تشکیل دولت» مورد توجه قرار گرفته و تأسیس دولت را به‌رغم تمامی قیودی که بر پایه آزادی‌های فردی ایجاد کرده، برای پاسداری از حریم امنیت دانسته و ضرورت آن را قبول کرده‌اند. اما نباید از نظر دور داشت که، گفتمان سلبی امنیت، یک گفتمان تهدیدمحور و برون‌نگر است که منشأ تهدید را خارجی می‌داند. این نگاه بر جنبه سخت‌افزاری امنیت تأکید داشته و امنیت را تا حد تهدید، کاهش می‌دهد. نگاه سلبی همچنین یک نگاه تراکمی است. بدین معنا که با پیشرفت زمان، هر بار نوع جدیدی از تهدیدات شکل می‌گیرند، بی‌آنکه اثر جایگزینی با تهدیدات قبلی داشته باشند، بلکه به تهدیدات قبلی اضافه می‌شوند.

این امر در حالی است که از منظر گفتمان ایجابی امنیت، امنیت تنها به‌معنای فقدان تهدید خارجی نیست. البته این گفتمان به تهدید توجه دارد، اما معتقد است که نبود تهدید، شرط لازم امنیت است اما شرط کافی نیست. تهدید در نگاه ایجابی شکل درون‌نگر دارد بی‌آنکه نافی بُعد خارجی باشد. در این نگاه اهمیت تهدیدات به میزان زیادی نرم‌افزاری، یعنی از جنس تصویر است. در این فضا رسانه‌ها جای توپ و تانک را خواهند گرفت. حال پرسش این است که چگونه می‌توان از خود یک تصویر مطلوب ایجاد کرد؟ تهدیدات از نگاه ایجابی از جنس نرم‌افزاری و مجازی‌اند. بنابراین با تصویرسازی می‌توان معادلات تهدید را به‌هم زد. این بزرگترین تحولی است که در نگاه به تهدید رخ داده است. در نگاه ایجابی، ابعاد تهدید افزایش می‌یابد. این روایت جدید از تهدید، نوع جدیدی از مدیریت را نیز به همراه خواهد آورد. انطباق خواسته‌ها با کارکردها مدینه

فاضله‌ای است که در عالم واقع رخ نمی‌دهد و اصولاً با طبیعت بشر هم‌خوانی ندارد. در عالم واقع، بین این دو شکاف وجود دارد که امری طبیعی و پذیرفته شده است و نظام‌های سیاسی نباید از این جهت احساس تهدید کنند (مرادیان، ۱۳۸۵: ۵۱). به عبارت دیگر، مطابق یافته حاصل از این پژوهش، وجه نرم امنیت، همچون انسجام ملی، هویت یکپارچه، خلاقیت و نوآوری افراد، اجماع نخبگان قدرت، فرهنگ و بستر فرهنگی و اجتماعی، روحیه ملی و غیره در ایجاد امنیت مؤثر بوده و تصمیم‌سازان و سیاستگذاران امنیت، نمی‌توانند راهبردهای امنیتی را بدون در نظر گرفتن این عوامل اتخاذ نمایند (همان، ۵۳).

در مرتبه دوم یافته‌ها، امنیت فرایندی درون‌زاد قرار گرفته است. این تلقی همان است که «باری بوزان» در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» و «الی ویور» در کتاب هویت خود بدان اشاره داشته‌اند (بوزان، ۱۹۹۳: ۵۱-۷۴). چنان‌که از این تعریف برمی‌آید، «امنیت اجتماعی شده» حوزه‌ای خاص از «امنیت داخلی» را شامل می‌شود که به نسبت بین «هویت‌های اجتماعی» با «سیاست‌های دولتی» اشاره دارد و از این حیث از حوزه مطالعاتی امنیت عمومی که بر سه رکن ارتباطاتی «دولت، فرد، جامعه» استوار است، فاصله می‌گیرد.

در مرتبه چهارم، امنیت با ماهیتی ذهنی تلقی شده است، مطابق نظر حدادی (۱۳۸۴: ۲۴)، ذهنی بودن امنیت، مانع عمده فهم مشترک این مفهوم است. امنیت مقوله‌ای است حساس و شکننده که اگر در جامعه صحیح و کاربردی تبیین نشود، دارای تبعات خطرناک همچون بی‌تفاوتی و رفتار ضد حاکمیت در میان سطوح مختلف جامعه می‌شود. به تعبیر «ولفرز» (به نقل از مرادیان، ۱۳۸۵: ۱۷) این حقیقتی پذیرفته شده است که ملت‌ها و گروه‌ها در قبال یک رویداد خارجی موضعی واحد اتخاذ نمی‌کنند. برخی در ارزیابی خطر مبالغه می‌کنند و برخی دیگر آن را دست‌کم می‌گیرند. عواملی چون منش ملی، سنت‌ها، اولویت‌ها و پیش‌داوری‌ها در تعیین حدی از امنیت که به نظر یک ملت لازم است، مؤثر هستند.

همان‌طور که در جدول ۴ نیز مشاهده می‌شود، در بین ۱۲ نوع طرز تلقی متفاوت از ماهیت امنیت عمومی، بیشترین تلقی نسبت به ماهیت امنیت عمومی، مربوط به دیدگاه چندوجهی است. یعنی، امنیت عمومی شامل چهار مؤلفه اقتصادی، محیط زیست و منابع، اجتماعی - فرهنگی و

سیاسی است. این برداشت از ماهیت امنیت عمومی مطابق نظر «بوث» است که این گونه استدلال می‌کند فراگرد جنگ، اکنون در حال تبدیل شدن به یک پدیده فرهنگی است تا یک پدیده سیاسی- نظامی؛ زیرا نقش عناصر غیرنظامی راهبرد دفاعی در حال افزایش بوده و شاخه‌های دیگر حکومت مربوط به سیاست، اقتصاد و حتی منابع طبیعی که سابقاً در حاشیه قرار داشتند، اکنون نقش بیشتری در این صحنه یافته‌اند. به موازات گراتر شدن سیستم‌های پیچیده تسلیحاتی، بسیاری از جوامع، منابعی را که قبلاً به امور نظامی اختصاص می‌دادند، اکنون به رشد اقتصادی اختصاص می‌دهند (همان: ۵۹). به عبارت دیگر، با پایان جنگ سرد و تشدید فرآیند جهانی شدن، امنیت بازیگران چنان به همدیگر گره خورده است که برخی، از اصطلاحاتی چون امنیت جهانی یا امنیت بشری به جای امنیت خارجی استفاده کرده‌اند. حتی امنیت طبیعت و محیط زیست نیز حائز اهمیت شده است. ماهیت تهدیدات نه تنها نظامی بلکه، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی زیست محیطی شده است. از شاخص‌های متعدد تهدید می‌توان به مهاجرت‌های بی‌رویه، مواد مخدر، شیوع بیماری‌های مسری، گازهای گلخانه‌ای، سلاح‌های کشتار جمعی، جرم و جنایت و تروریسم اشاره کرد. پاسخ‌ها فقط نظامی نیستند؛ مسئولان متعددی برای تأمین امنیت بازیگران و به‌طور کلی امنیت خارجی در مفهوم جدید در نظر گرفته می‌شوند. در عرصه جهانی شدن، ارزش‌هایی چون حقوق و نیازهای اساسی بشر و حفاظت از محیط زیست نیز اهمیت پیدا کرده است (قنبرلو، ۱۳۸۲).

در خصوص بُعد آینده‌نگری نیز باید گفت: «شبکه در هم تنیده بین ابعاد مختلف امنیت است که درک آن را دشوار می‌سازد» (تریف، ۱۹۹۹: ۶۴-۶۳). چنانکه «تریف» و همکارانش اظهار داشته‌اند از جمله ویژگی‌های بارز امنیت در جوامع معاصر، پیچیدگی ناشی از تعدد ابعاد و تنوع ارتباطات آنها با مقولات و پدیده‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ارتباطاتی و ... است که آن را به موضوعی با حساسیت بالا تبدیل ساخته است. به همین دلیل است که «پلیس» به‌عنوان نهاد محوری در مقام مدیریت امنیت عمومی در آینده با فلسفه وجودی، ساختار سازمانی، شرح مأموریتی، کادر انسانی و ابزار مدیریتی بسیار متفاوتی با آنچه که امروزه شناسانده می‌شود، تعریف و وجود می‌یابد. معنای این سخن آن است که به دلیل تحول رخ داده در انسان، جامعه، مناسبات اجتماعی و حتی محیط پیرامونی

کشورها، دیگر نمی‌توان با تلقی‌ها و روش‌های قبلی به مدیریت امنیت عمومی در جوامع امروزی همت گمارد و به تعبیر «کارن ام‌هس» و «لیندامیلر» زمان آن فرارسیده که تلقی تازه‌ای از «امنیت عمومی» در دستور کار پلیس قرار گیرد؛ تا بدین ترتیب بر امواج ناامنی در آینده غلبه یابیم. در غیر این صورت دچار تنگناهای امنیتی خواهیم شد که خروج از آنها با وجود کارآمدی نهادهای سنتی متولی تأمین امنیت عمومی، به‌سادگی میسر نخواهد بود (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۴۳-۶). «هاماچر و کتزن‌بیزر» (۲۰۱۱). به‌طور خلاصه یافته‌های بدست آمده با توجه به ابعاد و زوایای مورد بررسی‌اش، با یافته‌های پژوهش‌های تأکیدات امام خمینی (ره): افتخاری (۱۳۸۰)؛ «رابرت ماندل» (۱۳۷۷)؛ عساریان‌نژاد (۱۳۸۲)؛ مرادیان (۱۳۸۵)؛ «بوزان» (۱۹۹۳)؛ «ویلکن» (۱۳۸۱)؛ «ویور» (۱۹۹۸)؛ حدادی (۱۳۸۴)؛ «تریف» (۱۹۹۹) و «هس و میلر» (۱۳۸۲) هم‌خوانی داشته است. بدین‌گونه است که با وجود تأیید چالش‌برانگیز بودن و عدم وجود اجماع نسبت به ماهیت امنیت عمومی، ولی از منظر خبرگان مورد بررسی، دیدگاه عام‌گرا و نرم‌افزاری نسبت به ماهیت امنیت عمومی، رتبه اول؛ امنیت فرایندی درون‌زاد، رتبه دوم؛ سلبی، رتبه سوم و ذهنی، رتبه چهارم را کسب کرده است. نکته قابل توجه این است که بیش از ۸۱ درصد پاسخ‌دهندگان فقط یک دیدگاه را کافی ندانسته و قائل به بیش از یک دیدگاه بوده و تمایل به رویکردی چندوجهی دارند.

با تأمل بر نظریات ارائه شده، از دلایل ضعف در نظریه‌پردازی‌های قابل اجماع در مفهوم امنیت، این است که این مفهوم در زمان‌های مختلف در راستای مفاهیم دیگری از قبیل قدرت، تمامیت ارضی، بقای کشور و... بکار رفته است. یافته‌ها و مستندات تایید کرد که تعریف امنیت و ترسیم عرصه و دامنه آن هم با ذهنیت و ادراک نخبگان و مردم جامعه از آسیب‌پذیری و تهدید، پیوندی مستقیم دارد و هم متأثر از پیش‌فرض‌ها و پیش‌تجربه‌های آنان بر موضوعاتی هم‌چون منافع ملی، اهداف ملی، ارزش‌های ملی، مصالح ملی و قدرت ملی است. امنیت، هم‌چنین از لحاظ ماهیتی، مفهومی نسبی است و نمی‌توان یک تعریف مطلق از آن ارائه کرد. با عنایت به چنین ویژگی است که طراحی سیستم‌های امن، نه تنها مستلزم شناخت ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل، تهدیدهای داخلی و خارجی است، بلکه نیازمند سنجش درجه، ابعاد، گستره، ضعف‌ها و قوت‌ها، محدودیت‌ها و مقدرات خودی نیز است. بر این اساس، محیط امنیتی هر جامعه، برآیند تعامل و تقابل متغیرهای

محیط داخلی شامل ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، صورت‌بندی‌های اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، وضعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژی، مؤلفه‌های قدرت، ایدئولوژی، فناوری و... است. چنین محیطی همواره حامل تهدیدها و فرصتهایی است که جوامع به میزان موقعیت و منزلت‌شان از آنان متأثر شده و بر آن تأثیر می‌گذارند. از این رو پیشنهاد می‌شود:

الف) به‌گونه‌ای مستمر، مطالعاتی علمی و مستمر در حوزه امنیت عمومی صورت‌بندی شود تا ضمن رصد تطورات و تحولات تأثیرگذار بر ذهنیات جامعه و کیفیت رفتارهای اطلاع‌یابانه و تأثیرگذار بر ذهنیات نخبگان و آحاد جامعه، شناخت لازم به‌منظور زمینه‌سازی برای کسب و تولید فرصت‌های بهینه در تحقق اشرافیت اطلاعاتی فراهم آمده و متولیان امنیتی کشور، را نسبت به درک ابعاد و زوایای موقعیت موجود، به‌منظور پیشگیری، جهت‌دهی و اقدام به‌موقع و مناسب برای تأثیرگذاری بر روند پویا و متحول امنیت عمومی، توانمند سازد.

ب) با توجه به شناسایی حیطه‌های شش‌گانه تأثیرگذار در تولید امنیت عمومی، شامل حیطه‌های «فرهنگی - آموزشی»، «اقتصادی»، «انتظامی»، «حقوقی - قضایی»، «اجتماعی»، «سیاسی» پیشنهاد می‌شود در مطالعه‌ای جامع، ضمن تعیین میزان تأثیرگذاری هر یک از حیطه‌های شش‌گانه تأثیرگذار در تولید و ارتقاء سطح و عمق امنیت عمومی، به اولویت‌بندی آنها پرداخته شود.

ج) با توجه به ظرفیت گسترده جمعیت جوان دانش‌آموزی و دانشجویی، پیشنهاد می‌شود با استفاده از دیدگاه‌های نوین «سنجش به‌مثابه یادگیری» پژوهشی ملی در حوزه امنیت عمومی صورت‌بندی شود تا ضمن شناخت مصادیق، مفاهیم و تفاسیر دانش‌آموزان، دانش‌جویان، معلمان و مدرسان دانشگاهی از ویژگی‌های جامعه امن و نقش شهروندان مسئول و متعهد در آن، میزان آگاهی، کیفیت علائق، ارزش‌ها و باورهای آنان را به‌منظور برنامه‌ریزی برای نهادینه‌سازی «امنیت اجتماعی شده» و فاصله گرفتن از نیازها برای «اجتماع امنیتی شده» را جهت‌دهی کرده و با شکل‌دهی و تقویت ظرفیت «فراشناخت اطلاعاتی و امنیتی افراد»، در

۱. فراشناخت اطلاعاتی و امنیتی افراد، رویکردی است که اجرای آن، می‌تواند زمینه مناسب را برای تحول تربیت نخبگان امنیتی فراهم کند. به‌گونه‌ای که هر یک از این افراد اجرایی امنیتی در شرایط ایستا، به نخبگان امنیتی در شرایط عدم قطعیت و پویا، مبدل شوند.

راستای تحقق جامعه امن، بالنده و پیشرو گام‌های مؤثری برداشت.

د) با توجه به ظرفیت شگرف مبانی دینی، ملی و فرهنگی و رسوخ آن در باورهای شهروندان، پیشنهاد می‌شود با استفاده از رویکردهای همسو با امنیت اجتماعی شده، فرصت‌ها، روندها و راهکارهای درونی‌سازی ارتقاء امنیت عمومی در جامعه مورد بررسی قرار گرفته و عملیاتی شود.

ه) با توجه به اهمیت نگاه ایجابی در مقابل نگاه سلبی به مسئله تأمین و تضمین امنیت عمومی از یکسو، و غلبه و محوریت قائل شدن بیش از ۶۴ درصد نخبگان امنیتی کشور به نگاه سلبی، ضرورت دارد تا ضمن ریشه‌یابی علل شکل‌گیری و گرایش به این ذهنیت، روش‌های تغییر و تعدیل آن مورد بررسی قرار گیرد. ضرورت دارد تا سازوکارهای مناسب برای تحول در نگرش نخبگان امنیتی از نگاه سلبی غالب به امنیت عمومی، به نگاه ایجابی فراهم آید.

براساس سند چشم‌انداز، جمهوری اسلامی ایران، بایستی در افق ۱۴۰۴ در جایگاه نخست منطقه قرار گیرد و این امر، بدون توجه به تضمین و ارتقاء امنیت عمومی میسر نخواهد شد. بدین‌منظور ضرورت دارد تا ضمن آینده‌نگری هوشمندانه، برنامه‌ریزی علمی، انتخاب مناسب‌ترین راهکارها و اجتناب از شعارزدگی، زمینه تحول وضعیت موجود و تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی فراهم آید. امید می‌رود یافته‌های این مقاله بتواند، در راستای اعتلای دانش امنیت عمومی در کشورمان به ویژه زمینه‌سازی برای مرجعیت امنیتی در جهان، گامی هر چند ناچیز برداشته و همسو با سخن اندیشمندان مقام معظم رهبری، مبنی بر ضرورت کشف و حرکت به سوی آینده‌ای که خود نیاز داریم، باشد تا ضمن درک و تحلیل دیدگاه‌های نخبگان اجرایی و علمی امنیت عمومی، به‌گونه‌ای شفاف نظرات آنها را در قالب یافته‌های موثق، منعکس کرده و زمینه لازم برای وحدت رویه و ارتقاء سطح و عمق تصمیم و اقدام در حوزه امنیت عمومی را فراهم آورد.

منابع

- افتخاری، اصغر؛ نهازی، غلامحسین (۱۳۸۹). امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری. فصلنامه دانش انتظامی. شماره ۴۲، ۷-۵۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). چهره متغیر امنیت ملی. فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۴، ۱۹-۵۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). رسانه‌ها، نظارت، امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۲، ۱۴۰-۱۵۷.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). ساخت دولت امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۳، ۲۷۵-۲۸۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). فرهنگ امنیت اجتماعی در: مک کین لای و - آر. تیل. امنیت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). معمای امنیت عمومی. در کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- بوزان، باری (۱۳۸۷). مردم، دولت‌ها و هراس. پژوهشکده مطالعات راهبردی (مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوراحمد، احمد؛ عیوضلو، محمود؛ حامد، محبوبه؛ عیوضلو، داوود؛ رضایی، فرشته (۱۳۹۱). بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی: مورد مطالعه: شهرستان کوهدشت. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. ۱(۱)، ۱-۲۰.
- تریف، تری (۱۳۸۳). مطالعات امنیتی نوین. علیرضا طیب و وحید بزرگی (مترجمان). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خومحمدی، سعید (۱۳۸۴). امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن و امام علی (ع). مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. تهران: انتشارات آشنایی.
- درّی نجف‌آبادی، قربانعلی (۱۳۸۶). نگاهی به امنیت از منظر امیرمؤمنان (ع). فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ۲۸۲-۲۹۱.
- رجیبی پور، محمود (۱۳۸۴). درآمدی بر عوامل مؤثر بر احساس امنیت. در کنکاش بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
- عباس زادگان، سید محمد؛ ترک زاده، جعفر (۱۳۸۱). نیازسنجی آموزشی در سازمان‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت. تهران: ابرار معاصر.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۴). کتاب امنیت بین‌الملل، فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراوری امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: ابرار معاصر.
- عصاریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۱). جویشی بر امنیت ملی. تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- عصاریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۴). بررسی امنیتی جنبش‌های نوین اجتماعی. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- علینقی، امیرحسین (۱۳۷۸). فرهنگ و انسجام اجتماعی در ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳، ۱۰۵-۱۲۴.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غرایق‌زند، داوود (۱۳۸۸). چپستی معنا و مفهوم امنیت نرم با مروری بر وجه نرم امنیت. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۱۲(۳)، ۸۱-۱۰۸.
- قرآن مجید.

- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۲). تحول مفهوم امنیت بین الملل. ماهنامه نگاه. شماره ۴۴، ۳-۲۶. لرنی، منوچهر (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی امنیت. تهران: مؤسسه فرهنگی نشر رامین.
- لطفی، ح، نامی، م.ح، حسنیپور، ج، و بحیرایی، ح (۱۳۹۰). امنیت زیست محیطی و سیاست‌گذاری امنیت ملی. فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. ۳(۴)، ۱۲۲-۱۴۴.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی. پژوهشکده مطالعات راهبردی (مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متسامورن، جری (۱۳۸۵). مبانی نظری آزمون و آزمون‌سازی. شیده کامکار و اسدالله آسرای (مترجمان). تهران: انتشارات بیهنه.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۵). درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات. تهران: انتشارات راشا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). ولاءها و ولایت‌ها، مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موذن‌جامی، محمد هادی (۱۳۸۴). تأملی در مفهوم نظم و امنیت عمومی و عوامل مرتبط با آن. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۱، ۵۷-۷۴.
- مومنی، اسکندر (۱۳۹۰). طراحی مدل و تبیین اصول و مبانی توسعه امنیت عمومی (اجتماعی). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۲۸، ۳۳-۵۴.
- نهج البلاغه.
- واثقی، قاسم (۱۳۸۰). تدابیر و سیره عملی امام علی (ع) در تأمین امنیت اجتماعی. تهران: انتشارات هما.
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۶). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: انتشارات سمت.
- Bicocchi, N., Ross, W., & Ulieru, M. (2010). Addressing the Challenges of Complex Public Safety and Security Operations through Simulation Modeling . submitted to Transactions on Systems, Man, and Cybernetics, Part A: Systems and Humans.
- Calhoun, C. (2002). Dictionary of the Social Sciences. Oxford University Press.
- Casas-Zamora, K., & Dammert, L. (2012). Public Security Challenges in the Americas. The Road to Hemispheric Cooperation: Beyond the Cartagena Summit of the Americas. The Brookings Institution. Latin America Initiative.
- Hamacher, K., & Katzenbeisser, S. (2011). Public Security: Simulations Need to Replace Conventional Wisdom. NSPW, 115-124.
- Soares, L. E. (2007). Public security: present and future. Estudos Avançados, 21(56), 91-106.